

جلد ۴، صفحه ۵۵، روایتی را از رسول خدا ﷺ نقل کرده که هر کسی اهل مدینه را بترساند، خداوند او را می‌ترساند و لعنت خدا شامل حالش می‌شود. پس از شهادت امام حسین ﷺ، یزید واقعه حره را به وجود آورد و در آن، تعداد بسیاری را به قتل رساند و وحشت در دل اهل مدینه انداخت؛ بنابراین لعن خدا و رسول خدا ﷺ و تمام ملائکه شامل او می‌شود.

• تصریحات برخی از اهل سنت درباره جواز لعن یزید

- سیوطی شافعی‌مذهب متوفی ۹۱۱ می‌گوید: «لعن الله قاتله (ای قاتل الحسین) واین زیاد معه ویزید ایضا» (تاریخ الخلفا صفحه ۱۶۵)
- سمهودی در جواهرالعقدين صفحه ۶۳ می‌گوید: «اتفق العلماء علی جواز لعن من قتل الحسين او أمر بقتله أو أجازة أو رضي به»
- تفتازانی در کتاب شرح العقائد النفسیه می‌گوید: «اتفقوا علی جواز اللعن علی من قتل الحسين او أمر به أو أجازة أو رضي به قال: والحق أن رضا یزید بقتل الحسين واستبشاره بذلك وأهانتة اهل بیت رسول الله مما تواتر معناه وإن كان تفصیله آحادا، قال: فنحن لا نتوقف فی شأنه بل فی كفره وإیمانه لعنة الله علیه وعلی أنصاره وأعوانه؛ یعنی علما بر جواز لعن کردن کسی که حسین را کشته، یا به آن دستور داده، یا آن را جایز دانسته، یا به آن راضی بوده است، اتفاق نظر دارند و حقیقت آن است که رضایت یزید به قتل حسین و شادمانی او از این واقعه و بی‌احترامی او به اهل بیت رسول خداﷺ، از اموری است که «متواتر» است؛ هرچند جزئیات آن از نوع «خبر واحد» (گزارش‌های فردی) باشد. سپس می‌گوید: پس ما در مورد لعن او بلکه درباره کفر و عدم ایمان او تردیدی نداریم. لعنت خدا بر او و یاران و مددکارانش باد.» (شذرات الذهب جلد ۱، صفحه ۶۸، مع الركب الحسین جلد ۶، صفحه ۴۹)

• نتیجه بحث

از مجموع آیات و روایات و اقوال اهل سنت استفاده می‌شود که اگر قاتل به لزوم لعن یزید نشویم، در جواز لعن یزید جنایتکار و قاتل سیدالشهدا ﷺ هیچ تردیدی نداریم.



جواز لعن یزید از دیدگاه قرآن و سنت نبوی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد جعفر طبعی

به همین آیه تمسک کرده است. (مع‌الربک الحسین جلد ۶ صفحه ۴۴)

• لعن در سنت نبوی

جواز لعن از عموم روایات وارده از نبی مکرم اسلام ﷺ کاملاً قابل استفاده است.

روایت اول: امیرالمؤمنین ﷺ از رسول‌خدا ﷺ نقل کرده که خداوند و انبیا ﷺ چند دسته را مورد لعن قرار می‌دهند: تحریف‌کننده کتاب خدا، تکذیب‌کننده قدر الهی، تغییردهنده سنت

در زمین فساد کنید و قطع رحم نمایید؟ آنان [که روی گردانند] کسانی هستند که خدا لعنت‌شان کرده و گوش آنها را کر و چشم آنها را کور کرده است. بی‌تردید یزیدبن معاویه از بزرگترین مفسدان فی‌الارض است و این فساد به‌وسیله قتل سیدالشهدا ﷺ تحقق پیدا کرد. پس لعن الهی مورد اشاره در این آیه، قطعاً شامل حال او می‌شود. احمدبن حنبل که رئیس حنابله است، یزید را از مصادیق مفسد فی‌الارض دانسته و برای اثبات آن،

روى محمد بن عبد الله بن وهيب عن ابي عبد الله قال: لعن الله من قتل الحسين بن علي بن ابي طالب بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصي بن كلاب بن مرة بن كعب بن لؤي بن غالب بن فهر بن مالك بن النضر بن كنانة بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نضير بن معد بن عدنان. (تاريخ الخلفاء ج ۱، ص ۱۶۵)

روایتی تاریخی و مستند

از شام شوم و شوم شام

شواهد هشتگانه بر حضور شامیان در فاجعه کربلا

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدامین پورامینی

استاد و پژوهشگر حوزه علمیه

تا ده هزار نفر را هم ذکر کرده‌اند. این مطلب را قزوینی در جلد اول الامام الحسین ﷺ واصحابه، صفحه۲۸۰ به‌نقل از طبری آورده است. با توجه به زمینه‌ای که در عراق بود، حکومت ظالمانه بنی‌امیه به فکر افتاد و در این فاصله نعمان‌بن بشیر عزل و عبیدالله‌بن زیاد حاکم و والی بصره و کوفه شد و عوامل و پیروان بنی‌امیه هم در شهر کوفه بودند. این ماجراها برای قبل از شهادت امام حسین ﷺ است.

چون جنایت کربلا بسیار عظیم بود و چون کاروان امام ﷺ تأثیر فوق‌العاده‌ای در فاصله حادثه کربلا و قبل از فرارسیدن اربعین داشتند، این جریان کوشید که دامن خود را اگر بتواند از این فاجعه پاک کند؛ اما موفق نشد. پیروان بنی‌امیه در طول تاریخ این خط را دنبال کردند و می‌بینیم که عده‌ای از سلفی‌ها از دیرباز تاکنون برای این مسئله کوشیدند.

در برخی کتب تاریخی، نقلی وجود دارد که نافی حضور شامیان در کربلاست. طبری و مسعودی این نقل را آورده‌اند؛ بر طبق این نقل، کسانی که حسین‌بن علی ﷺ را به شهادت رساندند، از اهل کوفه بودند و هیچ‌یک از اهل شام در کربلا حضور نداشتند؛ این سخن را در حالی بیان می‌کنند که این کوفیانی هم که به کربلا آمدند، عمدتاً از پیروان بنی‌امیه بودند. به دلیل اینکه خود امام حسین ﷺ در سخنرانی‌شان در کربلا فرمودند: «ویلکم یا شیعہ آل ابی سفیان ان لم یکن لکم دین وکنتم لا تخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیاکم؛ وای بر شما ای پیروان ابوسفیان! اگر دین ندارید و از معاد و قیامت نمی‌ترسید دست کم آزاد باشید؛ بنابراین امام حسین ﷺ خطاب به لشکریانی که از کوفه آمدند،

هر سال ایام عزاداری امام حسین ﷺ، شبکه‌های معاند و وهابیت، موضوع عدم جواز لعن یزید را عنوان می‌کنند. سلسله کثیف بنی‌امیه، در طول تاریخ مرتکب جنایات فراوانی علیه اهل بیت پاک پیامبر اکرم ﷺ شدند. به شهادت‌رساندن امام حسین ﷺ یکی از آن جنایات است.

• لعن در لغت

ابن منظور افریقی متوفی ۷۱۱ در واژه لعن می‌نویسد: «واللعن الإبعاد والطرد من الخیر وقيل الطرد والإبعاد من الله ولعنه يلعنه لعنا: طرده وأبعده ... واللعنة في القرآن: العذاب ولعنه الله يلعنه: لعنا: عذبه (لسان اللسان، جلد ۲ صفحه ۵۰۹)؛ یعنی لعن به‌معنای دوری و طرد از خیر است و گفته شده: به‌معنای طرد و دوری از خداست و او را لعن کرد، یعنی او را دور کرد ... و لعنت در قرآن به‌معنی عذاب است و خدا او را لعن کرد، یعنی او را عذاب کرد.

لعن یزید به این معنی است که همواره از خدا درخواست می‌کنیم که یزید از خداوند دور باشد و مشمول عذاب الهی باشد.

• بررسی آیات قرآن

آیه اول: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرُسُلَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾ (سوره احزاب آیه ۵۷) آن کسانی که خدا و رسولش را آزار می‌دهند، پروردگار در دنیا و آخرت آنها را لعن می‌کند و برای آنها عذابی دردناک در نظر می‌گیرد. بی‌تردید اذیت‌کردن فرزند رسول خدا ﷺ، اذیت‌کردن رسول‌خدا ﷺ است؛ چه رسد به کشتن فرزند رسول‌خدا. در روایات از امام حسین ﷺ به فرزند رسول‌خدا ﷺ تعبیر شده است. بنابراین آزاردادن امام حسین ﷺ و یا به قتل‌رساندن ایشان، مساوی با اذیت و آزار رسول‌خداست و مرتکب چنین جنایاتی، مشمول لعن خدا و رسول او می‌شود؛ چنین لعنی هم در دنیاست و هم در آخرت. یزید با ارتکاب چنین قتلی موجب آزار رسول‌خدا ﷺ و لعن همیشگی برای خود شد. آیه دوم: ﴿وَمَن يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِدًا بَعْدَ إِعْزَائِهِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ (سوره نسا آیه ۹۳)؛ یعنی کسی که عمدأ مؤمنی را به قتل برساند، جزای او جهنم است و به‌صورت همیشگی در آن خواهد بود و خداوند بر او غضب و لعن خواهد کرد و عذاب عظیمی به دنبال خواهد داشت. این آیه درباره قتل یک مؤمن است. حال اگر مقتول، سید مؤمنان و سرور جوانان اهل بهشت باشد، آیا مشمول لعن نمی‌شود؟

آیه سوم: ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقْتَعُوا أَرْحَامَكُمْ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصْمَتَهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ﴾ (سوره محمد آیات ۲۲ و ۲۳)؛ یعنی پس اگر [از خدا و پیامبر] روی گردان شوید، آیا از شما جز این انتظار می‌رود که



است: «ويعث ابن زیاد، شمر بن ذی‌الجوشن فی اربعة آلاف من اهل شام؛ یعنی ابن‌یزاد شمر را به فرماندهی چهارهزار نفر از اهل شام به کربلا فرستاد؛ هیچ بعدی هم ندارد که این چهارهزار نفر از مجموعه ده‌هزار نفری باشند که در برخی متون آمده است که از شام به کوفه رفته بودند. مناقب ابن شهرآشوب هم کتاب معتبری هست.

۲. نقل دیگر روایتی است که ابن‌سعد در طبقات خود آورده است؛ متأسفانه در کتاب طبقاتی که چاپ شده، قسمی که مربوط به امام حسن و امام حسین ﷺ است، ناقص است و خدا رحمت کند مرحوم حاج‌آقا عزیز طباطبایی را که آن را به چاپ رساند؛ در طبقات ابن‌سعد (قسمت تاریخ امام حسین ﷺ) در صفحه ۷۳ جرایبی را نقل کرده است که یک نفر از اهل شام، خطاب به حضرت علی‌اکبر ﷺ کرد و به‌اعتبار نسب مادر حضرت علی‌اکبر ﷺ کوشید که حضرتش را از لشکر امام حسین ﷺ جدا کند که با برخورد شدید آن‌حضرت مواجه شد؛ شبیه همان برخوردی که قمر بنی‌هاشم ﷺ با شمر کرد.

۳. شاهد دیگر نقلی است که ابن‌عبدربه در العقدالفرید در صفحه ۱۶۵ در مورد شهادت حضرت قاسم‌بن الحسن ﷺ آورده است: «ورأى من اهل شام عبدالله بن الحسن بن علی ...»؛ کسی از اهل شام عبدالله‌بن الحسن را دید که او

از زیباترین مردمان بود و گفت: من این نوجوان را می‌کشم؛ بنابراین گوینده این سخن، مردی خبیث از اهل شام بوده است.

• ۴. مورد دیگر را ابن‌اعثم کوفی در مورد شهادت حضرت علی‌اکبر ﷺ نقل کرده است. او چنین آورده است که علی‌اکبر ﷺ چنان شجاعانه و جوانمردانه جنگید که اهل شام از تعداد کشته‌های‌شان به فریاد درآمدند. این را ابن‌اعثم در کتاب الفتوح در جلد ۵ آورده است.

• ۵. مورد دیگر هم در مورد حضرت قاسم ﷺ در العقدالفرید صفحه ۹۸ در جلد چهارم آورده است که وقتی حضرت قاسم ﷺ فریاد کمک‌خواهی برآورد، امام حسین ﷺ چنان به سمت قاتل او حمله کرد که دستش قطع شد و شامیان آن قاتل را نجات دادند.

• ۶. مورد دیگر هم نقلی است که از امام زین‌العابدین ﷺ داریم که ابن‌قتیبه دینوری در صفحه ۱۰۶ عیون‌الاخبار آورده است. امام سجاد ﷺ نقل فرمودند که در روز عاشورا مرا نزد عمرین سعد آوردند و او وقتی وضعیت مرا از جهت بیماری دید، مرا رها کرد؛ شخصی از اهل شام آمد و مرا برداشت؛ زیرا نمی‌توانستم حرکت کنم. این هم باز مؤید حضور اهل شام در کربلاست.

• ۷. مورد بعدی نقلی است که شیخ صدوق رحمته‌الله در امالی در صفحه ۱۳۸ در مورد لحظه پیش از شهادت امام حسین ﷺ آورده است؛ ایشان چنین نقل می‌کند: دشمن خدا سنان‌بن انس و شمر بن ذی‌الجوشن به‌همراه عده‌ای از اهل شام، مقابل امام حسین ﷺ قرار گرفتند و برخی به برخی دیگر گفتند که چرا نگاه می‌کنید؟ سر را از بدن جدا کنید... این هم مؤیدی دیگر از حضور شامیان در کربلاست.

• ۸. ظاهر آن است که ازرق شامی و مانند او از جمله لشکریان شام باشند و اینکه گفته شود که او شامی ساکن در کوفه و یا اینکه شبامی باشد و نه شامی خلاف ظاهر است.

خلاصه اینکه این شواهد و ادله وبه‌خصوص نقل ابن شهرآشوب که شمر بن ذی‌الجوشن به دستور ابن‌یزاد به فرماندهی چهارهزار نفر از اهل شام گماشته شد و اینها به سمت کربلا آمدند، دیگر جایی برای تردید و ایجاد شک و شبهه باقی نمی‌گذارد؛ لذا این قطعه مهم تاریخی نباید مورد غفلت قرار بگیرد که برخی سوء استفاده کنند و منکر حضور شامیان در کربلا شوند و بخواهند حادثه کربلا را تنها متوجه کوفیان کنند؛ گرچه می‌دانیم کوفیان حاضر در کربلا اموی مسلک بودند.